

صورت عدم موافقت آنها ، از خود گذشت نشان داد . در حین مصادره و تقسیم زمین و دارائی و اموال طبقه فئودال باید نیازمندیهای بعضی از دهقانان میانه حال را نیز مورد توجه قرار داد . هنگام تعیین تعلق طبقاتی باید دقت شود تا دهقانان میانه حال اشتباهاً بجای دهقانان مرفه بحساب نیایند . دهقانان میانه حال فعال را باید به شرکت در کار کمیته‌های اتحادیه دهقانی و ارگانهای حکومتی جلب نمود . در تعیین میزان مالیات بر زمین و کمک بامر جنگ باید رعایت عدل و انصاف گردد . اینها رهنمودهای مشخصی هستند که حزب ما باید در امر وحدت استوار با دهقانان میانه حال برای اجرای وظیفه استراتژیک خود اتخاذ کند . تمام حزب باید درک کند که اصلاحات ارضی ریشه‌ای یکی از وظایف اساسی انقلاب چین در مرحله کنونی است . چنانچه بتوانیم بطور همه جانبه و کامل مسئله ارضی را حل کنیم ، اساسی‌ترین شرط را جهت شکست کلیه دشمنان بدست خواهیم آورد .

۵

برای اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی و استحکام پشتگاه ارتش آزادیبخش توده‌ای ، تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب ما ضرور است . جنبش اصلاح سبک کار در درون حزب در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور کلی با موفقیت انجام پذیرفت . نمودار موفقیت عمده آن پی بردن بیشتر ارگانهای رهبری و بخش عظیمی از کادرها و اعضای حزب ما به این اصل اساسی ، یعنی وحدت حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین است . حزب ما در این مورد با مقایسه

با مراحل تاریخی قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی گام بلندی بجلو برداشته است. اما در سازمانهای محلی و بخصوص در سازمانهای بنیادی روستائی حزب هنوز مسئله آلودگی ترکیب طبقاتی صفوف و سبک کار ما حل نشده است. طی مدت ۱۱ سال - از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۷ - تعداد اعضای حزب ما از چند ده هزار نفر به دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است و این خود جهش بسیار بزرگی به پیش است. این امر حزب ما را به نیرومندترین حزب سیاسی در تاریخ چین تبدیل کرده است. و بدینجهت بود که ما توانستیم امپریالیسم ژاپن را از پا در آوریم، حملات چانکایشک را دفع کنیم، رهبری مناطق آزادشده با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را بکف بگیریم و ارتش آزادیبخش توده‌ای دو میلیونی را رهبری کنیم. ولی نواقص و کمبودهایی هم پیدا شده‌اند. بسیاری از مالکین، دهقانان مرفه و اراذل و اوباش با استفاده از فرصت به درون حزب ما رخنه کرده‌اند. آنها در مناطق روستائی در بسیاری از سازمانهای حزبی، ارگانهای دولتی و توده‌ای قدرت را بچنگ گرفته و بمیل خود هر کاریکه بخواهند میکنند، بر مردم تحکم میکنند و سیاست حزب را تحریف مینمایند و بدین ترتیب این سازمانها را از توده‌های مردم جدا ساخته و از اجرای کامل اصلاحات ارضی جلوگیری مینمایند. درست همین وضع وخیم است که وظیفه تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب را در برابر ما قرار میدهد. ما بدون انجام این وظیفه قادر به پیشبرد کار خود در روستاها نخواهیم بود. کنفرانس کشوری حزب درباره مسئله ارضی پس از بررسی کامل این مسئله تدابیر و شیوه‌های مناسبی تدوین نمود. اکنون این تدابیر و شیوه‌ها همراه با قرار درباره تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف با قطعیت تمام بموقع اجرا گذاشته میشود. در اینجا مهمترین نکته بسط و گسترش

انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب، افشای کامل افکار اشتباه‌آمیز و وضع و خیم سازمانهای محلی است که از مشی حزب منحرف گردیده‌اند. کلیه رفقای حزبی باید باین نکته آگاه باشند که تصفیه سازمانهای حزبی و تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب حلقه تعیین کننده زنجیره حل مسئله ارضی و پشتیبانی از جنگ طولانی است که بحزب اسکان میدهد تا همپای وسیعترین توده‌های زحمتکش در یک جهت به پیش رود و آنها را هدایت کند.

۶

مصادره زمین‌های طبقه فئودال و واگذار کردن آنها به دهقانان؛ مصادره سرمایه انحصاری که در صدر آن چانکایشک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو قرار دارد و واگذار کردن آن به دولت دموکراتیک نوین؛ حمایت از صنایع و بازرگانی بورژوازی ملی - اینست سه سیاست عمده اقتصادی انقلاب دموکراتیک نوین. چهار فاسیل بزرگ - چانکایشک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو - طی بیست سال حکومت خود ثروت هنگفتی بالغ بر ۱۰ تا ۲۰ میلیارد دلار آمریکائی بهم زده‌اند و تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد کشور را به انحصار خود در آورده‌اند. این سرمایه انحصاری با آمیختن با قدرت دولتی به سرمایه‌داری انحصاری دولتی مبدل شده است. این سرمایه‌داری انحصاری با پیوند نزدیکی که با امپریالیسم خارجی، طبقه مالکان و دهقانان سرفه طراز کهن داخلی یافته است، به سرمایه‌داری انحصاری دولتی کمپرادور و فئودالی بدل گردیده‌است. این است پایه اقتصادی قدرت سیاسی ارتجاعی چانکایشک. این سرمایه‌داری انحصاری دولتی نه فقط به کارگران و

دهقانان بلکه به خرده بورژوازی شهری ستم روا میدارد و نیز به بورژوازی متوسط خساراتی وارد میآورد. در طول جنگ مقاومت ضد ژاپنی و بعد از تسلیم ژاپن این سرمایه‌داری انحصاری دولتی به حداکثر رشد خود رسید و شرایط مادی کاملی برای اجرای انقلاب دموکراتیک نوین فراهم آورد. این سرمایه در چین معمولاً سرمایه بوروکراتیک خوانده میشود و این بخش از سرمایه‌داران معروف به سرمایه‌داران بوروکراتیک را بورژوازی بزرگ چین مینامند. وظایف انقلاب دموکراتیک نوین در داخل کشور علاوه بر لغو امتیازات امپریالیستها در چین عبارت است از برانداختن استثمار و مظلوم طبقه مالکان و سرمایه‌داران بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ)، تغییر مناسبات تولیدی کمپرادور - فئودالی و آزاد کردن نیروهای مولده. قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط که از این طبقات و حاکمیت دولتی رنج و خسران میبرند، علی‌رغم تعلقی که به بورژوازی دارند، میتوانند در انقلاب دموکراتیک نوین شرکت جویند یا بیطرف بمانند. اینان که با امپریالیسم پیوندی نداشته و یا پیوند سستی دارند، بورژوازی ملی واقعی را تشکیل میدهند. قدرت سیاسی دولت دموکراتیک نوین در هر جا که مستقر شود، باید این قشرها را با قطعیت و بدون چون و چرا مورد حمایت قرار دهد. در مناطق تحت حکومت چانگ‌کیشک عده قلیلی از افراد قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط - عناصر دست راست این قشرها - دارای گرایشهای سیاسی ارتجاعی بوده و با اشاعه تصورات واهی نسبت به امپریالیسم آمریکا و دارودسته مرتجع چانگ‌کیشک علیه انقلاب دموکراتیک خلق قدعلم میکنند. ما بمتحص مشاهده نفوذ این گرایشهای ارتجاعی در میان توده‌ها باید با عریان ساختن ماهیت واقعی آنان در برابر توده‌ها

نفوذ سیاسی آنها را در میان مردم خنثی کرده و توده‌ها را از بند آن نجات دهیم. ولی حملات سیاسی و نابودی اقتصادی دو موضوع کاملاً گوناگونند؛ این خطا خواهد بود اگر ما این دو را باهم مخلوط کنیم. انقلاب دموکراتیک نوین تنها فتودالیسم و سرمایه‌داری انحصاری - طبقه مالکین و بورژوازی بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) - را از میان بر میدارد، ولی هدفش از میان برداشتن سرمایه‌داری بطور اعم و قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط نیست. بعلت عقب ماندگی اقتصاد چین، حتی پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور نیز وجود يك بخش کاپیتالیستی اقتصاد ملی متعلق به قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط برای يك مدت طولانی هنوز مجاز خواهد بود و بعلاوه طبق اصل تقسیم کار اقتصاد ملی، رشد و توسعه معین کلیه آن عناصر بخش کاپیتالیستی که بنفع اقتصاد ملی است، لزومی خواهد بود؛ این بخش کاپیتالیستی جزء لاینفک اقتصاد ملی خواهد بود. قشر فوقانی خرده بورژوازی که در اینجا بدان اشاره شد، صاحبان مؤسسات کوچک صنعتی و بازرگانی هستند که کارگر و یا فروشنده اجیر میکنند. علاوه بر این، عده زیادی از پیشه‌وران مستقل و تجار خرده پا هم وجود دارند که نه کارگری اجیر میکنند و نه فروشنده‌ای، و بدیهی است که باید آنها را مورد حمایت کامل قرار داد. پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور، مؤسسات دولتی بزرگ که از بورژوازی بوروکراتیک گرفته شده‌اند و بر تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد ملی نظارت میکنند، بمالکیت دولت دموکراتیک نوین در خواهند آمد؛ بعلاوه، يك اقتصاد کشاورزی آزاد از فتودالیسم وجود خواهد داشت که هر چند برای مدتی طولانی اساساً بطور پراکنده و منفرد اداره خواهد شد، ولی در آینده بتدریج بسوی

کشوراتیوه شدن خواهد رفت . در چنین شرایطی ، موجودیت و رشد این بخش از سرمایه‌داری کوچک و متوسط هیچگونه خطری ندارد . در مورد اقتصاد دهقانان نو برفه که الزاماً بعد از اصلاحات ارضی در روستاها پدید میاید ، نیز اصل فوق صادق است . و بهیچوجه نباید آن سیاست چپ افراطی نادرست را نسبت به بخش اقتصادی قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط تکرار کنیم که حزب ما در دوره ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴ در پیش گرفته بود ( مانند تقاضاهای بیمورد برفع کارگران ؛ مالیات بر درآمد بیش از حد ؛ تجاوز به منافع صاحبان صنایع و بازرگانان در جریان اجرای اصلاحات ارضی ؛ و اتخاذ سیاست کوتاه‌نظرانه و یکجانبه برای باصطلاح ” رفاه زحمتکشان ” بعوض اتخاذ سیاستی جهت رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه ) . مسلم است که تکرار این اشتباهات به منافع توده‌های زحمتکش و همچنین به منافع دولت دموکراتیک نوین زیان میرساند . یکی از مواد برنامه قانون ارضی چین میگوید : ” دارائی و اموال و فعالیت قانونی صاحبان صنایع و بازرگانان باید از تجاوز مصون بمانند . ” در اینجا مقصود از صاحبان صنایع و بازرگانان تمام پیشه‌وران مستقل و تجار کوچک و همچنین کلیه سرمایه‌داران کوچک و متوسط است . بطور کلی ، ترکیب اقتصاد چین نوین بدینقرار خواهد بود :

۱ - اقتصاد دولتی بمشابه بخش رهبری کننده ؛ ۲ - اقتصاد کشاورزی که بتدریج از شکل انفرادی به شکل کلکتیو رشد مییابد ؛ ۳ - بخش پیشه‌وران مستقل و تجار کوچک و همچنین اقتصاد سرمایه‌داری شخصی کوچک و متوسط . اینها همه در مجموع تشکیل دهنده اقتصاد ملی دموکراتیک نوین هستند . اما اصول هدایت کننده در اقتصاد ملی دموکراتیک

نوین باید مستقیماً به هدف عمومی دایر بر رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه خدمت کند . هر گونه رهنمود ، سیاست و تدبیر دیگری که مغایر این هدف عمومی باشد ، نادرست است .

## ۷

ارتش آزادیبخش توده‌ای در اکتبر سال ۱۹۴۷ مانیفستی انتشار داد که در قسمتی از آن گفته میشود :

متحد ساختن کلیه طبقات ستمکش - کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان - ، کلیه سازمانهای توده‌ای ، کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه اقلیت‌های ملی ، کلیه مهاجرین چینی و سایر میهن پرستان ؛ تشکیل جبهه متحد ملی ؛ سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری چانکایسک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی .

این برنامه سیاسی اساسی ارتش آزادیبخش توده‌ای و حزب کمونیست چین است . ظاهراً چنین به نظر میرسد که اکنون جبهه متحد ملی انقلابی ما در قیاس با دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی کوچک‌تر شده است . ولی در حقیقت درست در مرحله کنونی ، پس از آنکه چانکایسک منافع ملی را تسلیم امپریالیسم آمریکا نمود و جنگ ضد خلقی داخلی را در سراسر کشور بر پا ساخت ، و پس از آنکه جنایات و تسهک‌ریزهای امپریالیستهای آمریکا و دارودسته حاکم مرتجع چانکایسک در برابر خلق چین کاملاً افشاء گردیده‌اند ، جبهه متحد ملی ما واقعاً وسعت پیدا کرده است . چانکایسک و گومیندان در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی هنوز

تفوذ و اعتبار خود را در میان مردم چین کاملاً از دست نداده بود و هنوز برای گمراه کردن خلق چین امکانات بسیاری در اختیار داشت. ولی در حال حاضر وضع دیگر تغییر یافته است و اعمال آنان که نشاندهنده کذب گفتارشان است، آنها را از توده‌های مردم بکلی جدا ساخته و به افراد مطلق کشانده است. حزب کمونیست چین، بعکس گویندگان، نه تنها در مناطق آزادشده از اعتماد کامل توده‌های وسیع مردم برخوردار است، بلکه مورد پشتیبانی توده‌های وسیع مردم مناطق و شهرهای بزرگ تحت حکومت گویندگان نیز واقع شده است. اگر در سال ۱۹۴۶ در مناطق تحت حکومت چانکایشک هنوز بخشی از روشنفکران قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط امیدی بیک باصطلاح "راه سوم" (۸) داشته بودند، اکنون دیگر این امید نقش بر آب شده است. حزب ما بعلت اتخاذ یک سیاست ارضی کامل از پشتیبانی صمیمی توده‌های دهقانی بمراتب وسیعتر از دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی برخوردار است. تجاوز امپریالیسم آمریکا، مظالم چانکایشک و سیاست صحیح حزب ما در راه حفظ قاطع منافع توده‌های مردم مسبب شده است که حزب ما در مناطق تحت حکومت گویندگان از همدردی و علاقه توده‌های وسیع طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط برخوردار شود. توده‌های مردم بعلت وجود گرسنگی، ستم سیاسی و جنگ داخلی ضد خلقی چانکایشک که تمام امکانات زندگی را بروی آنها بسته است، پیگیرانه علیه امپریالیسم آمریکا و حکومت ارتجاعی چانکایشک به مبارزه بسیخیزند؛ و شعارهای اساسی خود را علیه گرسنگی، علیه ستمگری، علیه جنگ داخلی، علیه مداخله ایالات متحده آمریکا در امور داخلی چین متوجه میسازند. آگاهی آنها چه در دوران



قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی و چه در اثنای جنگ و چه بعد از تسلیم ژاپن ، هیچگاه به درجه اسروزی نرسیده بود . بدین لحاظ است که ما میگوئیم امروز جبهه متحد انقلابی دموکراتیک نوین وسیعتر و مستحکمتر از هر زمان دیگر گردیده است . این واقعیت فقط در نتیجه سیاست ما در روستاها و شهرها بوجود نیامده است ، بلکه به اوضاع عمومی سیاسی یعنی به پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای ، گذار واحدهای نظامی چانکایشک از تعرض به دفاع و گذار ارتش آزادیبخش توده‌ای از دفاع به تعرض و همچنین اوج جدید انقلاب چین نیز مستقیماً مربوط است . اکنون مردم بچشم خود می‌بینند که اضمحلال رژیم چانکایشک امری اجتناب‌ناپذیر است و از اینرو تمام امید خود را به حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای می‌بندند ، و این امری طبیعی است . پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین بدون وجود وسیعترین جبهه متحد اکثریت قاطع مردم کشور امکان‌پذیر نیست . بعلاوه ، این جبهه متحد باید تحت رهبری استوار حزب کمونیست چین قرار گیرد . بدون رهبری استوار حزب کمونیست چین هیچ جبهه متحد انقلابی قادر به کسب پیروزی نیست . در سال ۱۹۲۷ ، هنگامیکه لشکرکشی بشمال به نقطه اوج خود رسیده بود ، تسلیم طلبان در دستگاه رهبری حزب ما داوطلبانه از رهبری توده‌های دهقانی ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط و بخصوص از رهبری نیروهای مسلح دست کشیدند و بدینترتیب انقلاب را دستخوش شکست ساختند . در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی حزب ما علیه نظراتی نظیر اینگونه نظرات تسلیم طلبانه مبارزه کرد ، یعنی علیه نظرات کسانی که نسبت به سیاست ضد خلقی گویندگان گذشت می‌کردند ، به گویندگان بیشتر از توده‌های خلق اعتماد داشتند ، به بسیج بی‌پروای

توده‌ها برای مبارزه و به توسعه مناطق آزادشده و افزایش نیروهای مسلح خلق در مناطق اشغالی ژاپنیها جرات نمیکردند و رهبری جنگ مقاومت ضد ژاپنی را بدست گومیندان میسپردند. حزب ما علیه این نظرات پوسیده و سست پایه که مغایر اصول مارکسیسم - لنینیسم میباشد، قاطعانه مبارزه کرد و مشی سیاسی "توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینابینی و متفرد ساختن نیروهای سرسخت" را بطور قطع اجرا نمود و با قطعیت تمام مناطق آزادشده و ارتش آزادیبخش توده‌ای را بسط و توسعه داد. این امر نه تنها پیروزی حزب ما را بر امپریالیسم ژاپن هنگام تجاوزش تأمین کرد، بلکه تضمین نمود که حزب ما بتواند در دوران پس از تسلیم ژاپن، یعنی هنگامیکه چانگ‌کایشک به جنگ ضد انقلابی دست زد، با موفقیت و بدون تلفات در راه جنگ انقلابی خلق علیه جنگ ضد انقلابی چانگ‌کایشک قدم گذارد و در مدت کوتاهی پیروزیهای عظیمی کسب کند. کلیه رفقای حزبی باید این درسهای تاریخی را همواره بخاطر داشته باشند.

## ۸

دارودسته مرتجعین چانگ‌کایشک که در سال ۱۹۴۶ جنگ داخلی ضد خلقی را در سراسر کشور برپا کرده‌اند، بدین علت جرات اقدام بیک چنین ماجراجوئی جنگی را یافتند که علاوه بر اتکاء به قدرت برتر نظامی خود، بطور عمدت به امپریالیسم آمریکا که بمب اتمی در اختیار دارد و به تصور آنها "فوق‌العاده مقتدر" و "شکست‌ناپذیر" است، تکیه میکردند. آنها از یک طرف گمان میکردند که امپریالیسم آمریکا میتواند بطور مستمر

احتیاجات نظامی و مالی آنها را برطرف سازد ؛ و از طرف دیگر با گستاخی تمام به تبلیغ درباره "ناگزیری جنگ بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی" و "ناگزیری سومین جنگ جهانی" میپرداختند . بعد از جنگ جهانی دوم وجه مشترك کلیه نیروهای ارتجاعی جهان را يك چنین وابستگی نسبت به امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد . این منعکس کننده ضربات سختی است که در جنگ جهانی دوم بر سرمایه‌داری جهانی وارد آمده و همچنین نمودار ترس و وحشت و ضعف و عدم اطمینان نیروهای ارتجاعی کلیه کشورها و تجلی بخش قدرت نیروهای انقلابی جهان است - این عوامل همگی باعث میشوند که مرتجعین همه کشورها در برابر خود راه دیگری بجز اتکاء به کمک امپریالیسم آمریکا نبینند . ولی آیا امپریالیسم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم واقعاً آنقدر مقتدر شده است که چانکایشک و مرتجعین کشورهای مختلف تصور میکنند ؟ آیا امپریالیسم آمریکا واقعاً قادر به تأمین مستمر احتیاجات چانکایشک و مرتجعین کشورهای مختلف است ؟ خیر ، بهیچوجه . قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا که در اثنای جنگ جهانی دوم رشد یافته بود ، با بی‌ثباتی و انقباض دائمی بازارهای داخلی و خارجی مواجه شده‌است و انقباض آتی این بازارها ناگزیر موجب انفجار بحران اقتصادی خواهد گردید . پیشرفت و ترقی ایالات متحده آمریکا در طول جنگ فقط پدیده‌ای موقتی است . قدرت ایالات متحده آمریکا نیز پدیده‌ای فقط سطحی و گذراست . تضادهای حل نشدنی داخلی و خارجی ، چون کوه آتشفشان ، امپریالیسم آمریکا را همه روزه مورد تهدید قرار میدهند . امپریالیسم آمریکا درست بر قله این کوه آتشفشان نشسته است . این اوضاع و احوالی است که امپریالیستهای آمریکا را به تدوین نقشه اسارت جهان

واداشته است . آنها چون درندگان به اروپا و آسیا و سایر نقاط جهان  
 یورش میبرند و با تجمع نیروهای ارتجاعی کشورهای مختلف - این  
 تفاله‌های مورد تنفر خلقها - و با متشکل ساختن اردوگاه امپریالیستی و  
 ضد دموکراتیک که علیه کلیه نیروهای دموکراتیک و در رأس آنها اتحاد  
 شوروی متوجه است ، به تدارک جنگ می‌پردازند بامید اینکه شاید در  
 آینده دور روزی موفق به برافروختن آتش سوین جنگ جهانی جهت  
 نابودی نیروهای دموکراتیک گردند . این نقشه‌ای جنون‌آمیز است .  
 نیروهای دموکراتیک جهان موظف به عقیم گذاشتن این نقشه هستند و  
 مسلماً هم بدان قادر خواهند بود . قدرت اردوگاه ضد امپریالیستی جهان  
 بر قدرت اردوگاه امپریالیستی پیشی جسته است . اکنون این ما هستیم که  
 برتری یافته‌ایم ، نه دشمن . اردوگاه ضد امپریالیستی و در رأس آن اتحاد  
 شوروی ، دیگر تشکیل یافته است . اتحاد شوروی سوسیالیستی که عاری  
 از بحران است و در راه رشد و ترقی سیر میکند ، از پشتیبانی و علاقه  
 توده‌های وسیع مردم جهان برخوردار است و قدرتش بر قدرت آمریکای  
 امپریالیستی که مورد تهدید جدی بحران قرار گرفته ، رو به اضمحلال  
 نهاده و با مخالفت توده‌های وسیع مردم جهان روبرو گشته است ، تفوق  
 جسته است . کشورهای دموکراتیک توده‌های اروپا استحکام درونی مییابند  
 و با یکدیگر متحد میشوند . در کشورهای سرمایه‌داری اروپا  
 نیروهای ضد امپریالیستی به پیشاهنگی خلقهای فرانسه و ایتالیا بسط و  
 توسعه مییابند . در ایالات متحده آمریکا نیروهای دموکراتیک خلق روز  
 بروز نیرومندتر میگردند . خلقهای آمریکای لاتین نیز دیگر برده مطیع  
 امپریالیسم آمریکا نیستند . سراسر آسیا را جنبش عظیم آزادیبخش ملی  
 فرا گرفته است . کلیه نیروهای اردوگاه ضد امپریالیستی در اتحاد با یکدیگر

به پیش گام برمیدارند. احزاب کمونیستی و کارگری نه کشور اروپائی به تشکیل يك بوروی اطلاعاتی اقدام کرده‌اند و به خلقهای سراسر جهان برای برخاستن علیه نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی پیامی صادر کرده‌اند (۹). این پیام به خلقهای ستمدیده سراسر جهان الهام بخشیده، سمت مبارزه آنها را روشن ساخته و اعتماد آنها را به پیروزی تقویت کرده‌است. بعکس مرتجعین جهان از این پیام سخت بوحشت افتاده‌اند. در کشورهای مشرق زمین نیز کلیه نیروهای ضد امپریالیستی باید بمنظور مبارزه علیه ظلم و ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی با یکدیگر متحد شوند و آزادی بیش از يك سیلیارد انسانهای ستمدیده مشرق زمین را هدف مبارزه خود قرار دهند. سرنوشت ما مسلماً باید بدست خودمان افتد. ما باید صفوفمانرا از هر گونه روحیه سستی و ناتوانی پاک کنیم. کلیه نظراتی که به نیروهای دشمن پربها داده و به نیروهای خلق کم‌بها میدهد، نادرست است. چنانچه ما همدوش کلیه نیروهای دموکراتیک جهان تمام سعی و کوشش خود را بکار بندیم، مسلماً قادر خواهیم بود نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی را خنثی سازیم و از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری نمائیم و طومار سلطه همه مرتجعین را بر چینیم و به صلح پایدار بشریت دست یابیم. ما بخوبی واقفیم که در راه پیشرفت ما موانع و مشکلات گوناگونی موجود است و باید آماده روبرو شدن با مقاومت سرسختانه و مبارزه ناامیدانه کلیه دشمنان داخلی و خارجی خود شویم. ولی فقط در صورت تسلط بر علم مارکسیسم - لنینیسم، اعتماد به توده‌های مردم، ایجاد وحدت فشرده با توده‌ها و رهبری آنها در شاهراه پیشرفت و ترقی، کاملاً قادر به رفع هر گونه مانع و مشکلی خواهیم شد. قدرت ما شکست‌ناپذیر است. دوران تاریخی کنونی

دورانی است که در آن سرمایه‌داری و امپریالیسم در سراسر جهان بسوی اضمحلال می‌گراید و سوسیالیسم و دموکراسی توده‌ای در سراسر جهان بسوی پیروزی گام برمی‌دارد؛ طلوع شفق صبح نزدیک میشود، ما باید با تمام نیرو کوشش کنیم.

### یادداشتها

۱ - درباره اینکه ارتش آزادیبخش توده‌ای چین چگونه در جبهه‌های مختلف متوالیاً به تعرض روی آورد و دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشاند، رجوع کنید به «دریاره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش»، یادداشت ۲، جلد حاضر.

۲ - لیو جی رئیس اداره استقرار نظم و آرامش در جن جو (از استان حه نان) بعلت شکستی که در سپتامبر ۱۹۴۶ در نبرد دین تاو (جنوب غربی شان دون) متحمل شد، در نوامبر ۱۹۴۶ از کار برکنار گردید. سیوه یوه رئیس اداره استقرار نظم و آرامش در سیو جو (از استان جیان سو) نیز بعلت شکستهای سختی که قوای نظامی تحت فرماندهی وی در نبرد شمال سو سیان (از استان جیان سو) در دسامبر ۱۹۴۶ و در نبرد جنوب شان دون در ژانویه ۱۹۴۷ و در نبرد لای او (شان دون مرکزی) در فوریه ۱۹۴۷ متحمل شده بود، در مارس ۱۹۴۷ از مقام خود معزول گردید. او چی وی معاون آن اداره هم بعلت شکست در نبرد شمال سو سیان (بتاریخ دسامبر ۱۹۴۶)، در مارس ۱۹۴۷ از شغل خود منفصل شد.

تان تن یوه فرمانده ارتش اول گومیندان بعلت نابود شدن لشکر ۷۴ جدید گومیندان (در ماه مه سال ۱۹۴۷) در نبرد مون لیان گو (جنوب شان دون) در ژوئن ۱۹۴۷ تغییر مقام یافت. وان جون لیان فرمانده ارتش چهارم گومیندان در ماه اوت ۱۹۴۷ بعلت شکست در نبرد جنوب غربی شان دون (در ماه ژوئیه) از خدمت معزول گردید. دویو مین فرمانده ستاد کل امنیت در شمال شرقی و سیون شی هوی رئیس ستاد کل ژنرالسیسم در شمال شرقی بعلت اینکه ارتش آزادیبخش توده‌ای طی تعرض تابستانی خود در ماه ژوئن ۱۹۴۷ در شمال شرقی شکستهای

خوردکننده‌ای به آنها وارد آورده بود ، از کار برکنار گشتند . سون لیان جون فرمانده منطقه جنگی شماره ۱۱ گومیندان بریاست اداره استقرار نظم و آرامش در بائو دین ( از استان حه به ) تنزل مقام یافت ، زیرا در نبرد چینگ - تسان و نبرد سیو شوی واقع در شمال بائو دین در ماه ژوئن ۱۹۴۷ شکست خورده بود. چن چن رئیس ستاد کل چانکایشک نیز در اوت ۱۹۴۷ به حکمرانی استانهای شمال شرقی تنزل رتبه یافت ، زیرا در تمام نبردهائیکه تحت فرماندهی او در استان شان دون انجام یافتند ، دچار شکست گردیده بود .

۳ - این مربوط به « رهنمود درباره مسئله ارضی » است که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در چهارم ماه مه ۱۹۴۶ انتشار یافته‌است . مراجعه شود به « تراژنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

۴ - کنفرانس ارضی سرتاسری کشور حزب کمونیست چین در سپتامبر ۱۹۴۷ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان حه به تشکیل گردید . « برنامه قانون ارضی چین » که در تاریخ ۱۳ سپتامبر بتصویب کنفرانس رسیده بود ، از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت . در این قانون مواد ذیل قید شده‌است :

الغاء سیستم استثماری فئودالی ونیمه فئودالی ارضی واستقرار سیستم زمین از آن کشتکار ؛

مصادره تمام زمینهای مالکین ودولت در روستاها از طرف اتحادیه‌های دهقانی محل وتقسیم یکسان آنها بضمیمه تمام زمینهای دیگر بین همه اهالی روستاها صرفنظر از جنس وسن آنها ؛

ضبط حیوانات بارکش ، ابزارهای کشاورزی ، مساکن ، غله وبقیه ثروت ودارائی مالکین از طرف اتحادیه‌های دهقانی دهکده‌ها ، مصادره مازاد مال وثروت دهقانان مرفه وتقسیم آنها بین دهقانان وسایر مردم فقیر ومحتاج وتخصیص سهمیه مساوی به مالکین .

برنامه قانون ارضی اصل « مصادره زمینهای مالکین وتقسیم آنها بین دهقانان » را در « رهنمود چهارم مه » سال ۱۹۴۶ تأیید میکند وعلاوه بر این نقایص موجود در آن دستورات را دایر بر توجه زیاد از حد به بعضی از مالکین ، اصلاح مینماید .

۵ - در عمل تغییرات چندی در طرز تقسیم یکسان زمین طبق « برنامه قانون ارضی چین » صورت گرفت . در فوریه ۱۹۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « دستورات درباره اجرای اصلاحات ارضی وتحکیم حزب در مناطق قدیم

و نسبتاً قدیم» تصریح نمود که در این مناطق که سیستم فئودالی دیگر وارثگون گردیده است، احتیاجی به تقسیم مجدد زمین نیست، بلکه در صورت لزوم باید به دهقانان فقیر و دهقانان مزدور که هنوز بطور کامل از قید یوغ فئودالی خلاص نشده‌اند، مقداری زمین و سایر وسایل تولید داده شود که از محل ضبط زمین و وسایل تولید اضافی و یا مرغوب‌تر دیگران تأمین میشود. بعلاوه باید به دهقانان میانه حال اجازه مالکیت زمین بیشتری از آنچه دهقانان فقیر بطور متوسط دارا هستند، داده شود. در مناطقی که سیستم فئودالی هنوز موجود است، تقسیم یکسان بطور عمده به زمینها و دارائی و ثروت مالکین و مازاد زمینها و ثروت دهقانان مرفه قدیمی محدود میشود. در تمام این مناطق مازاد زمین دهقانان میانه حال و دهقانان مرفه نوین بمنظور تنظیم تقسیم یکسان تنها در صورت لزوم و با موافقت صاحب ملک انجام می‌یابد. در جریان اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده از دهقانان میانه حال زمینی گرفته نمیشود.

۶ - مسئله دهقانان مرفه در جریان اصلاحات ارضی مسئله ویژه‌ای بود که از شرایط مشخص تاریخی و اقتصادی چین سرچشمه میگرفت. دهقانان مرفه چین از دو جنبه با دهقانان مرفه بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری متفاوتند: آنها بطور کلی و باندازه زیاد دارای خصلت استثمار فئودالی و نیمه فئودالی بودند و بعلاوه این اقتصاد دهقانی مرفه در اقتصاد کشاورزی کشور موضع چندان مہمی را اشغال نمیکرد. توده‌های وسیع دهقانان فقیر و دهقانان مزدور در مبارزه علیه استثمار فئودالی طبقه مالکین چین خواستار برانداختن استثمار فئودالی و نیمه فئودالی دهقانان مرفه نیز بودند. سیاست حزب کمونیست چین در طول جنگ آزادیبخش عبارت بود از مصادره مازاد زمین و ثروت دهقانان مرفه برای تقسیم بین دهقانان بمنظور تأمین خواست توده‌های دهقانان فقیر و دهقانان مزدور، و این خود وسیله‌ای بود که پیروزی در جنگ آزادیبخش توده‌ای را تضمین میکرد. در ماه فوریه سال ۱۹۴۸، وقتی که مبارزه به فرجام ظفرنمون خود نزدیک میشد، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین رهنمودهای نوینی برای اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده اتخاذ کرد که نیابستی در دو مرحله اجرا شوند: مرحله اول دهقانان مرفه را بیطرف میساخت و ضربه اصلی را بر مالکین و بخصوص بر مالکین بزرگ متمرکز میساخت؛ در مرحله دوم زمینهای مالکین و همینطور زمینهای دهقانان مرفه اجاره میکردند و مازاد زمینهای آنها تقسیم میشد. ولی در این مرحله نیز طرز برخورد با دهقانان مرفه با مالکین تفاوت داشت (مراجعه شود به « نکات اساسی درباره اصلاحات ارضی



در مناطق آزادشده جدید» ، جلد حاضر ) . پس از تشکیل جمهوری توده‌ای چین ، دولت توده‌ای مرکزی در ماه ژوئن سال ۱۹۵۰ قانونی درباره اصلاحات ارضی بتصویب رسانید که در آن تصریح میشود تنها زمینهایی که دهقانان مرفه در اجاره دارند ، بطور قسمتی و یا کاملاً مصادره میشوند ، در حالیکه از بقیه املاک و ثروت آنان محافظت خواهد شد . در مرحله آتی انقلاب سوسیالیستی اقتصاد دهقانی مرفه با تعمیق جنبش برای کثوپراتیوه کردن اقتصاد کشاورزی و رشد اقتصادی روستائی از میان رفت .

۷ - این بهمنای آنستکه کمیت و کیفیت زمینهای يك خانواده دهقان مرفه بطور متوسط بیشتر و بهتر از يك خانواده دهقان فقیر بوده‌است . در مقیاس کشوری مالکیت بر وسایل تولید از طرف دهقانان مرفه و کمیت تولیدات کشاورزی آنها ناچیز بود . اقتصاد دهقانی مرفه موضع مهمی در اقتصاد کشاورزی چین اشغال نمیکرد .

۸ - بعضی از شخصیتهای دموکراتیک در اوایل جنگ آزادیبخش توده‌ای گمان میکردند که میتوانند بجز دیکتاتوری مالکین بزرگ و بورژوازی بزرگ برهبری گویندگان و بجز دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری حزب کمونیست چین ، راه بااصطلاح سومی بجویند . ولی این راه در واقع هیچ چیز دیگری بجز راه دیکتاتوری بورژوازی طبق الگوی انگلستان و آمریکا نبود .

۹ - در سپتامبر ۱۹۴۷ بوروی اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری در کنفرانس ورشو تشکیل گردید که در آن نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری بلغارستان ، رومانی ، مجارستان ، لهستان ، اتحاد شوروی ، فرانسه ، چکسلواکی ، ایتالیا و یوگوسلاوی شرکت داشتند . چندی بعد ، در کنفرانسی که در ماه ژوئن ۱۹۴۸ در رومانی تشکیل یافت ، بورو ، حزب کمونیست یوگوسلاوی را که بر نظرات ضد مارکسیستی - لنینیستی خود پافشاری میکرد و موضع خصمانه‌ای نسبت به اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی اتخاذ کرده بود ، اخراج نمود . پیامی که بوروی اطلاعاتی به خلقهای سراسر جهان جهت مبارزه علیه نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی فرستاده بود و در اینجا مورد اشاره رفیق مائو تسه دون قرار گرفته ، « اعلامیه درباره اوضاع بین‌المللی » بوده‌است که از طرف بوروی اطلاعاتی در نشست سپتامبر ۱۹۴۷ خود بتصویب رسیده‌است .



# در باره برقراری سیستم گزارش دهی

( ۷ ژانویه ۱۹۴۸ )

بمنظور اینکه اطلاعات بموقع به کمیته مرکزی برسد تا وی بتواند کلیه مناطق را ، خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن ، در اجتناب از خطاها و یا در کاهش تعداد آنها یاری دهد و باین طریق پیروزی‌های باز هم بزرگتری در جنگ انقلابی بدست آید از اسسال بعد سیستم گزارش دهی برقرار میشود که چنین است :

۱ - دیر هر بورو و هر سوبوروی کمیته مرکزی باید هر دو ماه یک گزارش عمومی به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند ( که بوسیله خود او تنظیم شده باشد نه بوسیله معاونانش ) . گزارش مذکور برای هر منطقه باید شامل باشد بر فعالیت در زمینه‌های نظامی ، سیاسی ، اصلاحات ارضی ، تحکیم حزب ، اقتصاد ، تبلیغات و فرهنگ ، مسائل

---

وهمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . سیستم گزارش دهی که در این رهنمود مقرر گردیده نشانه آن بود که مبارزه متمادی کمیته مرکزی ، در حراست جازمانه مرکزیت دموکراتیک و جلوگیری از گرایش به بی انضباطی و آنارشیزم در شرایط تازه توسعه یافته است . این مسئله در آن موقع اهمیتی خاص داشت زیرا که در وضعیت

و گرایش‌هایی که در این فعالیت‌ها بظهور رسیده و شیوه‌هایی که برای حل آنها بکار رفته است. هر گزارش محدود خواهد بود به قریب هزار کلمه، و جز در موارد خاص نباید از دو هزار کلمه تجاوز کند. اگر کلیه مسائل در يك گزارش نگنجد دو گزارش نوشته خواهد شد. و یا اینکه گزارش نخستین فقط شامل برخی از مسائل خواهد بود و از سایر مسائل باختصار یاد خواهد کرد و گزارش بعدی بطور عمده شامل مسائل اخیر خواهد بود و از مسائل نخستین باختصار خواهد گذشت. گزارش عمومی باید منحصر بمطالب اساسی باشد و یا سبکی منسجم نگاشته شود. گزارش عمومی، مسائل و یا نکات مورد اختلاف را متذکر خواهد شد. این گزارش باید در ده روزه اول هر يك از ماه‌های فرد (۱) نوشته و بوسیله تلگراف ارسال گردد. اینست گزارش منظم و درخواست راهنمایی که دبیر هر بورو و یا سوپورو شخصاً موظف است به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند. هر گاه دبیر برای رهبری عملیات نظامی بجبهه رفته باشد باید علاوه بر گزارش‌هایی که شخصاً میدهد دبیر سوقت و یا معاون خود را موظف گرداند که گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های پشت جبهه تنظیم نمایند. گزارش‌ها و درخواست‌های

---

انقلابی پیشرفت‌های عظیمی روی داده بود: بسیاری از مناطق آزاد شده بهم پیوند یافته و منطقه واحدی بوجود آورده بودند، بسیاری از شهرها آزاد شده و یا نزدیک به آزاد شدن بودند، ارتش آزادیبخش توده‌ای بازم بیشتر جنبه ارتش منظم یافته بود، جنگ آزادیبخش توده‌ای بازم بیشتر بصورت جنگ منظم در آمده بود، و پیروزی در مقیاس سراسر کشور به چشم میخورد. این وضعیت ایجاب میکرد که حزب هرگونه بی‌انضباطی یا آنارشی را در درون خویش و در ارتش

راهنمایی که بوروها و سوپوروها در مواقع مختلف مانند سابق به کمیته مرکزی تسلیم خواهند کرد مشمول تصمیمات بالا نمیشود .

با این سیستم گزارش دهی درباره سیاست حزب را ، این گزارش های عمومی منظم و درخواست های راهنمایی را مقرر داشتیم زیرا که از کنگره هفتم حزب تا امروز هنوز بعضی ( و فقط بعضی ) از رفقای بوروها و سوپوروها ضرورت و اهمیت گزارش دهی به کمیته مرکزی و درخواست راهنمایی از او را خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن ، در نیافته اند و فقط در باره مسائل تکنیکی به ارسال گزارش و درخواست راهنمایی دست میزنند . نتیجه این شد که چون کمیته مرکزی در باره فعالیت ها و اقدامات سیاسی مهمی که آنها بعمل آورده بودند ( صحبت بر سر فعالیت ها و اقدامات سیاسی که در درجه دوم اهمیت اند و یا جنبه تکنیکی دارند نیست ) روشن نبود و یا باندازه کافی روشن نبود مواردی پیش آمد که اصلاح آنها امکان نداشت و یا دشوار بود و نیز مواردی پیش آمد که بما صدمه زد و حال آنکه اصلاح آنها امکان پذیر بود . بر عکس ، بوروها و سوپورهائی که قبلاً راهنمایی خواسته و پس از هر اقدام گزارش داده اند از این گونه صدمات برکنار مانده و یا از آنها کاسته اند . از

---

بسرعت از میان بردارد و هر قدرتی را که تمرکزش ضروری و ممکن بود در دست کمیته مرکزی متمرکز گرداند . برقراری سیستم اکید گزارش دهی ، اقدام مهمی بود که از طرف حزب برای نیل باین هدف اتخاذ شد . در این باره همچنین مراجعه شود به « کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ » ، بخش ۶ ، و « بخش نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر » ، ماده ۴ ، جلد حاضر .

امسال باید ارگانهای رهبری حزب در کلیه مدارج این رسم معیوب را که پیش از هر اقدام از مقامات بالاتر راهنمایی نخواهند و پس از هر اقدام بآنها گزارش ندهند ترك گویند. بوروها و سوبوروها که ارگانهای هستند که بوسیله کمیته مرکزی منصوب شده و وظایف محوله از طرف کمیته مرکزی را بنام وی بموقع اجرا میگذارند باید نزدیکترین تماس را با کمیته مرکزی حفظ کنند. همچنین کمیته‌های ایالتی یا منطقه‌ای حزب باید با بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی تماس نزدیک داشته باشند. اینک که انقلاب بمرحله نوینی از اعتلا رسیده است کاملاً ضروری است که این تماس‌ها تقویت شود.

۲ - رفقای رهبر ارتش‌های صحرائی و مناطق نظامی علاوه بر اینکه در مواقع ضروری به تسلیم گزارش‌ها و درخواستهای راهنمایی در باره اصول عملیات میپردازند و علاوه بر اینکه طبق ترتیب سابق به گزارش‌های ماهیانه درباره پیروزی‌ها در نبرد، تلفات افراد و صرف مصالح و درباره قدرت واقعی سپاهیان خویش مبادرت میجویند از امسال باید هر دو ماه گزارش عمومی درباره سیاست حزب و نیز درخواست راهنمایی تنظیم کنند. این گزارش‌ها و درخواستهای راهنمایی بویژه راجع خواهد بود به انضباط سپاهیان، شرایط زندگی آنها، روحیه فرماندهان و جنگجویان، انحرافات که در صفوف آنان روی داده و شیوه‌هایی که برای اصلاح آنها بکار رفته است، جلو رفتن یا عقب رفتن تکنیک و تاکتیک، نقاط قوت و نقاط ضعف نیروهای دشمن و حالت روحی آنها، کار سیاسی ارتش ما، اجرای سیاست ارضی، سیاست در شهرها و سیاست نسبت باسیران جنگ، شیوه‌های اصلاح انحرافات که در این زمینه‌ها پیش آمده است، روابط میان ارتش و خلق و همچنین گرایش‌های

قشرهای مختلف اهالی . طول این گزارش ها ، طرز تنظیم آنها و موقع ارسال آنها همان باید باشد که در مورد گزارش های بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی ذکر شد . هر گاه در موقعیکه گزارش باید ارسال شود ( یعنی در ده روزه اول هر يك از ماههای فرد ) نبردهای شدیدی در جریان باشد میتوان ارسال آن را چند روز به جلو یا به عقب انداخت ، اما دلائل را باید ذکر کرد . آن قسمت از گزارش که مربوط به کار سیاسی است باید بوسیله رئیس اداره سیاسی هر ارتش تنظیم شود ، بوسیله فرمانده و کمیسر سیاسی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد و بامضاء هر سه برسد . این گزارش ها به صدر کمیسیون نظامی حزب تلگراف خواهد شد . این گزارشهای عمومی در باره سیاست حزب بهمان دلائلی خواسته میشود که از بوروها و سوبوروها خواسته شده است .

### یادداشتها

۱ - یعنی ژانویه ، مارس ، مه ، و غیره . - مترجم

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



# درباره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب

( ۱۸ ژانویه ۱۹۴۸ )

## ۱ - مبارزه با گرایش‌های نادرست در درون حزب

باید با پربها دادن به نیروی دشمن مبارزه کرد . مثلاً ترس از امپریالیسم آمریکا ؛ ترس از جنگیدن در مناطق گومیندان ؛ ترس از برانداختن سیستم کمپرادور - فنودال ، از دست زدن به تقسیم اراضی مالکین ارضی و مصادره سرمایه بوروکراتیک ؛ ترس از جنگ طولانی و غیره . آنها همه نادرست است . امپریالیسم در سراسر جهان و حکومت دارودسته ارتجاعی چانکایشک در چین پوسیده است ، آینده ندارد . جا دارد که ما آنها را حقیر شماریم و ما یقین و اطمینان داریم که بر تمام دشمنان خلق چین چه داخلی و چه خارجی غلبه خواهیم کرد . اما در هر

---

رهنمودی برای حزب که رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین آنرا نگاشته است . رجوع شود به توضیح عنوان «اوضاع کنونی و وظایف ما» ، جلد حاضر .

وضع خاص و در هر مبارزه مشخص ( اعم از مبارزه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی یا ایدئولوژیک ) ما مطلقاً نباید دشمن را حقیر بشماریم ، برعکس باید او را جداً بحساب بگذاریم و همه نیروهای خود را در مبارزه بخاطر نیل به پیروزی متمرکز سازیم . از نظر کلی ، از نظر استراتژی ما بدرستی خاطر نشان میکنیم که باید دشمن را حقیر شمرد اما در هیچ وضع خاص و در هیچ مسئله مشخص ما هرگز نباید او را حقیر بشماریم . اگر از نظر کلی ما به نیروی دشمن پربها دهیم و در نتیجه جرأت نکنیم او را سرنگون سازیم یا بر او پیروز گردیم ما مرتکب اشتباه اپورتونیسیم راست خواهیم شد . اگر در هر وضع خاص ، در هر مسئله مشخص ما با حزم و احتیاط عمل نکنیم ، فن مبارزه را مطالعه و تکمیل ننمائیم ، تمام نیروهای خود را در نبرد متمرکز نسازیم و نکوشیم که تمام متحدینی را که میتوانند متحد ما باشند ( دهقانان میانه حال ، پیشه‌وران و کسبه مستقل ، بورژوازی متوسط ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و روشنفکران بطور کلی ، کارمندان بطور کلی ، افراد مشاغل آزاد ، متنفذین روشن بین ) را به آرمان خود جلب کنیم ، مرتکب اشتباه اپورتونیسیم ” چپ ” خواهیم شد .

برای مبارزه با انحرافات ” چپ ” و راست در درون حزب ما باید سیاست خود را برحسب اوضاع و احوال مشخص تعیین کنیم . مثلاً هنگامی که ارتش ما به پیروزی‌هایی نائل می‌آید باید از انحرافات ” چپ ” برحذر بود و هنگامیکه دچار شکست‌هایی میشود یا در نبردهای اندکی کاسیایی بدست می‌آورد آنگاه از انحرافات راست باید برحذر بود . در کار اصلاحات ارضی ما باید در آنجا که توده‌ها هنوز واقعاً بپا نخواستند ، مبارزه هنوز دامنه نیافته است با انحرافات راست مبارزه کنیم و در آنجا

که توده‌ها واقعاً بپا خاسته‌اند و مبارزه گسترش یافته است از انحرافات "چپ" برحذر باشیم.

## ۴ - بعضی مسائل مشخص سیاست ما در اصلاحات ارضی و جنبش‌های توده‌ای

۱ - باید منافع دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و همچنین نقش محرك سازبانهای دهقانان فقیر را در درجه اول قرار داد. حزب ما باید اصلاحات ارضی را با دست دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی گسترش دهد و کاری کند که آنها در اتحادیه‌های دهقانی و ارگانهای قدرت در روستا نقش محرك بازی کنند. این نقش محرك عبارتست از تحقق اتحاد با دهقانان میانه حال برای اینکه به اشتراك عمل کنند. و نه اینکه دهقانان میانه حال را کنار بگذارند و تمام کار را بخود انحصار دهند. در مناطق آزاد شده قدیم که دهقانان میانه حال اکثریت دارند و دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی اقلیت دارند دهقانان میانه حال موقعیت بویژه مهمی را اشغال میکنند. این شعار که میگوید "دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی کوهها و رودها را تصرف کرده و بر آنها حکومت خواهند کرد" غلط است. در روستا این دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی، دهقانان میانه حال و دیگر زحمتکشان هستند که متحداً در زیر رهبری حزب کمونیست چین باید "رودها و کوهها را تصرف کرده و بر آنها حکومت نمایند" و نه فقط دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی. در مقیاس کشور این کارگران، دهقانان (منجمله دهقانان مرفه جدید)، پیشه‌وران و کسبه مستقل، سرمایه‌داران متوسط و کوچک که از نیروهای

اوتجاعی مسم کشیده و صدمه دیده‌اند ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و روشنفکران بطور کلی ، افراد مشاغل آزاد ، متنفذین روشن بین ، کارمندان بطور کلی ، اقلیت‌های ملی مسم دیده و چینی‌های ماوراء بحار هستند که همه متحداً در زیر رهبری طبقه کارگر ( از راه حزب کمونیست ) باید " روده‌ها و کوه‌ها را تصرف کرده و بر آنها حکومت نمایند " ، نه فقط اقلیتی از مردم .

۲ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دهقانان میانه حال دوری جست . هرگونه اشتباهی در تعیین تعلق طبقاتی دهقانان میانه حال و کسانی از قشرهای اجتماعی دیگر باید تصحیح شود و اموالی که بخطا تقسیم شده‌اند باید تا سرحد اسکان مسترد گردند . این گرایش که دهقانان میانه حال را در صفوف نمایندگان دهقانان و در کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی راه نمیدهد و همچنین این گرایش که در مبارزه بخاطر اصلاحات ارضی دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی را در مقابل دهقانان میانه حال میگذارد باید تصحیح شود . دهقانانی که از استثمار کار دیگری درآمدی بدست می‌آورند ، هرگاه این درآمد کمتر از ۲۵ درصد ( یکربیع ) مجموع درآمد آنها باشد در زمره دهقانان میانه حال بشمار خواهد آمد ، هرگاه بیشتر از این رقم باشد در ردیف دهقانان سرفه ( ۱ ) . اراضی دهقانان میانه حال سرفه را نباید بدون رضایت مالک آنها تقسیم کرد .

۳ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال صنعت‌گران و بازرگانان متوسط و کوچک احتراز جست . سیاست حمایت و تشویق هرگونه صنعت و بازرگانی خصوصی که بسود اقتصاد ملی است و در گذشته در مناطق آزاد شده اجرا شد سیاستی است صحیح و باید آنرا همچنان دنبال

کرد . سیاست تشویق مالکین ارضی و دهقانان مرفه به اینکه فعالیت خود را در جهت صنعت و بازرگانی سوق دهند همان سیاستی که در دوران تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود دنبال میشد بنویه خود صحیح است ؛ اشتباه است اگر این تغییر فعالیت را بمشابه " دگرگونی " ماهرانه‌ای قلمداد کنند ، در نتیجه با آن بمقابله برخیزند و اسوالی را که بدین ترتیب بکار افتاده‌است مصادره و تقسیم نمایند . مؤسسات صنعتی و تجارتي مالکین ارضی و دهقانان مرفه باید بطور کلی مورد حمایت واقع گردند . فقط مؤسسات صنعتی و تجارتي متعلق به سرمایه بوروکراتیک یا متعلق به مستبدین محلی و ضد انقلابیون واقعی دیگر ممکن است مصادره شوند . در این مؤسسات صنعتی و تجارتي مشمول مصادره ، آنهایی که سودمند بحال اقتصاد ملی میباشند پس از آنکه بمالکیت دولت و خلق در میآیند باید کار خود را همچنان ادامه دهند ، باید از برچیدن این مؤسسات با بستن آنها جلو گرفت . مالیاتی که از رقم معاملات مربوط به صنعت و تجارت ، آن صنعت و تجارتي که سودمند بحال اقتصاد ملی اند برداشت میشود نباید به نرخي باشد که به رشد آنها زیان رساند . در هر مؤسسه دولتی بخاطر بهبود اداره آن ، مدیریت و سندیکا باید يك کمیته اداری مشترك ایجاد کنند بدین منظور که قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع عمومی را همراه با منافع فردی در نظر گیرند . مؤسسات سرمایه‌داری خصوصی نیز باید این شیوه را آزمایش کنند تا قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع کار و منافع سرمایه هر دو را تأمین نمایند . باید شرایط زندگی کارگران را بطرز مناسبی بهبود بخشید و در عین حال از افزایش بی‌تناسب دستمزد و امتیازات احتراز جست .

۴ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دانشجویان ،  
آموزگاران ، استادان ، کارمندان محافل علمی و هنری و روشنفکران بطور  
کلی احتراز ورزید . تجربه جنبش های دانشجویی و مبارزات انقلابی در  
چین ثابت کرده است که آنها در اکثریت عظیم خود میتوانند در انقلاب  
شرکت جویند یا بیطرف بمانند ؛ ضد انقلابیون سرسخت فقط اقلیت ناچیزی  
را تشکیل میدهند . از اینرو حزب ما باید از هرگونه بی احتیاطی نسبت  
به دانشجویان ، آموزگاران ، استادان ، کارمندان محافل علمی و هنری و  
روشنفکران بطور کلی پرهیز کند . ما باید برحسب هر مورد خاص با  
آنها متحد شویم و بآنها آموزش دهیم و آنها را بکار جلب نمائیم و فقط  
با تعداد بسیار کمی از آنها که ضد انقلابیون سرسختی میباشند باید آنطور  
که در خورد آنها است رفتاری بر اساس مشی توده ای در پیش گیریم .

۵ - درباره متنفذین روشن بین . در دوران جنگ مقاومت علیه  
ژاپن همکاری حزب ما با متنفذین روشن بین در ارگانهای قدرت در مناطق  
آزاد شده ( شوراهای مشورتی و ارگانهای حکومتی ) کاملاً لازم و ثمربخش  
بود . ما باید در موارد مقتضی و بشرط آنکه به اصلاحات ارضی لطمه ای  
وارد نیاید به آن متنفذین روشن بین که همراه با حزب ما روزهای سختی  
را گذرانده و واقعاً بجا کمک شایسته ای رسانیده اند ارج بگذاریم . اگر  
روش سیاسی آنها نسبتاً خوب است و شایستگی دارند باید در ارگانهای  
عالی حکومتی باقی بمانند و کار مناسبی دریافت دارند . اگر روش سیاسی  
آنها نسبتاً خوب است ولی استعدادی ندارند باید وسائل زندگی آنها  
را تأمین کرد . اگر آنها از خانواده مالکین ارضی یا دهقانان مرفه  
برخاسته اند اما خلق احساس کینه عمیقی نسبت به آنها ندارد باید زمین ها  
و اموال فتودالی آنها را بر طبق قانون ارضی تقسیم نمود ، ولی مراقب